

نفی وابستگی به شرق و غرب در ...

برادر بزرگی موقوف!

اسماء معتمد



امام خمینی^(ره) و جمهوری اسلامی

وقتی که امام خمینی^(ره) پس از سال‌ها دوری از وطن، در روز ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ به ایران مراجعت کردند و انقلاب به رهبری ایشان در یوم‌الله ۲۲ بهمن به پیروزی رسید، هم‌زمان افراد و گروه‌های متعددی از خارج کشور به ایران بازگشتند. بعضی از این افراد که در دانشگاه‌های اروپا و آمریکا تحصیل کرده بودند و با بازگشتن فضای کشور، عرصه را برای انجام فعالیت‌های سیاسی، مناسب می‌دیدند، با راه‌اندازی نشریات و مطبوعات و حزب و گروه‌های سیاسی، تلاش می‌کردند تا اهداف و اغراض خود را دنبال کنند و متاثر از نظام‌های سیاسی غربی و آموزه‌های لیبرالیستی حاکم بر آن دیار، مفتون‌زده، مبلغ ایشان شدند و به‌عنوان مثال از نظام دموکراتیک در برابر نظام جمهوری اسلامی دفاع کردند. البته سران دولت‌های اروپایی و آمریکا، طرح چنین موضوعی را در دستور کار داشتند و در کنفرانسی معروف به «گودالوپ»، این طرح را مورد بررسی قرار داده بودند و به همین دلیل، بسیاری از عناصر سیاسی قدرت‌طلب در مجالس و محافل، مرتب از «نظام دموکراتیک» صحبت می‌کردند و قصد داشتند که رای مردم را به همان سویی که غربی‌ها در گودالوپ مشخص کرده بودند، سوق دهند. اما امام خمینی^(ره) که طرح جمهوری اسلامی را از سال‌ها پیش ریخته بودند، به‌سرعت از این توطئه پرده برداشتند. ایشان روز دهم اسفند در بین مردم قم سخن‌رانی بسیار روشن‌گرانه‌ای ایراد فرمودند که هر جمله‌اش با عبارت «صحیح است» مردم همراه می‌شد و از سوی جمعیت، مورد تایید قرار می‌گرفت. بخشی از این سخن‌رانی چنین است:

«بیدارباشید! ما تا آخرین نفس ایستاده‌ایم. من این یکی، دو سال آخر عمرم را وقف شما کرده‌ام. از شما می‌خواهم، از ملت می‌خواهم که این نهضت را نگه دارند تا تاسیس حکومت عدل اسلامی. از آن وقت تا حالا می‌گفتند: تا مرگ، این نهضت ادامه دارد. حالا باید بگویند: تا اقامه حکومت اسلامی، نهضت ادامه دارد... آن چیزی که ملت ما می‌خواهد، جمهوری اسلامی است (مردم: صحیح است) نه جمهوری فقط دموکراتیک، نه جمهوری دموکراتیک اسلامی، جمهوری اسلامی (مردم: صحیح است). آن چه که من از ملت ایران می‌خواهم، این است که بیدار باشید! خون عزیزان خود را هدر ندهید! از کلمه دموکراتیک تترسید! این فرم غربی است. ما فرم‌های غربی را نمی‌پذیریم (مردم: صحیح است). ما تمدن غرب را قبول داریم، لکن مفاسدش را نمی‌پذیریم (مردم: صحیح است). آن که خون داده، همین جوان و همین توده بوده. آن که جوان داده،

«این جانب نصیحت متواضعانه و برادرانه می‌کنم که آقایان محترم، تحت تاثیر شایعه‌سازی‌ها قرار نگیرند و برای خدا و حفظ اسلام، این جمهوری را تقویت نمایند و باید بدانند که اگر این جمهوری شکست بخورد، به جای آن، رژیم اسلامی دل‌خواه بقیه‌الله یا مطیع امر شما آقایان تحقق نخواهد یافت.» [بخشی از وصیت‌نامه امام خمینی^(ره)]



نظام جمهوری اسلامی ایران به‌مثابه تشعشع نوری در قرن بیستم و در اوج سلطه اومانیزم و ماتریالیسم، تاییدن گرفت. یک رستاخیز عظیم دین‌خواهی و خداگرایی که در دوازدهم فروردین سال ۱۳۵۸ با رای قاطع ۹۸/۲ مردم ایران، بی‌اعتنا به شانتاژ و جنجال تبلیغاتی، مهر تایید و تثبیت خورد و تمام ایدئولوژی‌های بلوک شرق و غرب را در هم ریخت. بی‌شک، انقلاب اسلامی ایران یکی از مهم‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب‌های جهان محسوب می‌شود که در طول تاریخ به‌وقوع پیوسته است. اسلامی بودن ماهیت نهضت و روند مبارزه مردم، از ابتدا تا پیروزی، به رهبری یک مرجع دینی در شعارها تبلور می‌یافت. از این‌رو، پس از پیروزی انقلاب، نظامی با عنوان «جمهوری اسلامی» تشکیل شد؛ نظامی که اساس و پایه آن اسلام، قرآن و مردم هستند، یعنی ماهیت نظام، اسلامی و شکل آن جمهوری است که از آن تعبیر به مردم‌سالاری دینی نیز می‌شود. به‌عبارت دیگر، اراده و رای مردم در چارچوب شرع مقدس اسلام معنا پیدا می‌کند.

جمهوری اسلامی، میراث جاوید یک ملت است، ملتی که در بهمن ۱۳۵۷، پس از طی فراز و نشیب‌های فراوان و تحمل سختی‌ها، سرانجام با پیروی از فرامین هدایت‌گرانه امام خمینی^(ره) به بلوغ سیاسی رسید و مقتدرانه، دست رد به سینه غرب و شرق زد و فریاد «نه شرقی نه غربی، جمهوری اسلامی» سر داد، تا خود، نظامی بدون وابستگی و مستقل ایجاد کند. دکترینی که در حال حاضر با سرعت به اقصی نقاط جهان نفوذ کرده است، از کشور کومور در شاخ آفریقا گرفته تا آمریکای جنوبی، حیات خلوت تنها ابرقدرت رو به افول جهان، عرفات وقتی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به ایران آمد، گفت: «انقلاب شما زلزله‌ای بود که موج آن تا اسرائیل هم کشیده شد.» ولی امام راحل خطاب به او فرمودند: «انقلاب ما زلزله نیست، بلکه انفجار نور است.» (صبح صادق - شماره ۲۹۲) نوری که به‌واسطه ایمان مان روشن می‌ماند و بر ماست در پر تو ولایت فقیه و اتحاد و هم‌بستگی، از این میراث جاوید پاسداری کنیم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

نظامی متفاوت با سایر نظام‌ها

وقتی در دهه اول قرن بیستم، روزولت، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، دکترین «برادران بزرگ‌تر» را ارائه داد، گفت: «ما همه یک خانواده هستیم. همه دنیا یک خانواده‌اند، فرزندان آدم و حوا. اما پدر و مادر ما مرده‌اند. در این چنین خانواده‌ای، مسؤولیت والدین برعهده برادران بزرگ‌تر می‌افتد. آن‌ها حق دارند در داخل خانواده و بین اعضا، صلح و صفا برقرار کنند، حتی برادران کوچک‌تر خود را تنبیه و هدایت کنند.»

آمریکا، انگلیس، شوروی، چین و فرانسه پنج برادر بزرگ‌تری هستند که حق دارند بر جهان حاکمیت کنند. البته این تز سلطه‌گرایانه سه سال پیش‌تر دوام نیاورد و از پنج برادر اجباری دنیا، سه برادر بزرگ‌تر هر کدام به دلایلی استعفا دادند (چین در اثر انقلاب ۱۹۴۹ از گردونه خارج شد و دو برادر دیگر، فرانسه و انگلیس، هم به علت ضرباتی که در طول جنگ جهانی خورده و مستعمرات‌شان را از دست داده بودند، از گود بیرون رفتند). عملاً آمریکا و شوروی، ماندگار شدند و نظام دوقطبی را در جهان حاکم کردند، به‌شکلی که هر کشوری برای بقا و دوام خود می‌بایست به یکی از این دو قطب می‌پیوست و تحت‌الحمایه آن قرار می‌گرفت. این‌گونه قضا به‌صورت اصل مسلمی در آمده بود، به‌صورتی که همه

همین توده بود. یک دسته‌ای بیرون بودند، اعیان و اشراف هم آن بالا نشسته بودند و شما خون دادید، خانه‌های شما را سوزاندند، آن‌چه که شما می‌خواهید، آن باید بشود نه آن‌چه که آن‌ها که از اروپا و خارج آمده‌اند می‌خواهند. نه آن‌چه که اعیان و اشراف می‌خواهند نه، نه آن‌چه که حقوق‌دانان می‌خواهند. آن‌چه که شما (خطاب به مردم) می‌خواهید می‌دانم. آن‌که خون داده است، باید حرفش را شنید، رای او معین است. روزنامه‌ها خودشان را اصلاح کنند. خیانت نکنند به اسلام و مسلمین، خون مظلومان ما را هدر ندهند. تبلیغات سوء را منعکس نکنند. توطئه‌ها را جلوگیری کنند. لکن همه مردم در آراء آزاد هستند. وقتی فراندوم اعلام شد، رای من حکومت اسلامی، جمهوری اسلامی است (مردم: صحیح است)...» (صبح صادق - شماره ۲۹۳)

اکنون پس از گذشت سی سال از تاسیس و تثبیت نظام جمهوری اسلامی، این نظام دارای قدرت، اقتدار و نفوذ معنوی بالایی در سراسر جهان و به‌ویژه منطقه خاور میانه است و بر محور این قدرت نرم، خاور میانه اسلامی در حال شکل‌گیری است که این امر، موقعیت ایران را برای پیشبرد فعالیت‌های مختلفی چون فناوری هسته‌ای و مقاومت در برابر فشارهای بین‌المللی، افزایش داده است.

روشن فکر مآبان متمایل به لیبرالیسم غربی، امیدوار بودند تا با وجود دولتی مانند دولت مهندس بازرگان، نظام تازه تاسیس جمهوری اسلامی نیز هم‌چون رژیم شاهنشاهی، به غرب گرایش داشته باشد

امام خمینی^(ع)، در واقع با دکترین «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی»، در پیچه تازه‌ای را به جهان سیاست گشود و پایه‌های قطب سوم را در دنیای دوقطبی، پی‌ریزی کرد

کشورها به برادران بزرگ‌تر نیازمند بودند، حتی این دولت‌های برتر در سازمان ملل هم دارای حق وتو هستند. آن‌ها به‌راحتی، هر چه را که تمایل داشته باشند، رد یا قبول می‌کنند. در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی ایران نیز تصور می‌شد وابستگی به یکی از این دو قطب بزرگ، جزو لاینفکی از دستور کار انقلابیون باشد؛ اما از آن جایی که این انقلاب، حرکتی کاملاً مذهبی بود و اساس آن را خواسته‌های مذهبی مردم ایران تشکیل می‌داد، در مورد انتخاب حامی و یا همان برادر بزرگ‌تر، ابهامات زیادی وجود داشت. نظام کمونیسم هر چند دارای ساختار محکم و سازمان‌یافته‌ای بود و شخصیت‌هایی چون فیدل کاسترو، چه‌گوارا (انقلابیون نام‌دار آمریکای لاتین) را در خود داشت، اما به دلیل رویکرد پارادوکسیکال آن با دین اسلام، نمی‌توانست جایی در میان مردم باز کند؛ لذا از همان اوایل انقلاب، در اذهان عمومی مطرود بود. از سوی دیگر، مردم نیز ایالات متحده را عامل اصلی جنایات شاه می‌دانستند، به‌خصوص آن‌که فاجعه پانزده خرداد ۱۳۴۲ هم، در اصل، به قضیه کاپیتولاسیون باز می‌گشت. با این وجود، در صورت انتخاب حامی، با توجه به عقاید بیمار ایدئولوژی کمونیستی، لاجرم آمریکا انتخاب می‌شد. به همین خاطر، روشن‌فکر مآبان متمایل به لیبرالیسم غربی، امیدوار بودند تا با وجود دولتی مانند دولت مهندس بازرگان، نظام تازه‌تاسیس جمهوری اسلامی نیز هم‌چون رژیم شاهنشاهی، به غرب گرایش داشته باشد. آن‌ها تصور نمی‌کردند امام خمینی^(ع)، که شخصیتی مذهبی و فاقد مدارج سیاسی است، با وجود کهولت سن بتواند نوع جدیدی از حکومت را جدای از سیستم غرب یا شرق بنا کند.

امام خمینی^(ع)، در واقع با دکترین «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی»، در پیچه تازه‌ای را به جهان سیاست گشود و پایه‌های قطب سوم را در دنیای دوقطبی، پی‌ریزی کرد. ایشان با این تاکتیک، این شبهه که ایران بعد از انقلاب به کدام برادر خوانده می‌پیوندد را بر هم زد. زیرا در بحران آغازین انقلاب، به‌واسطه موقعیت سوق‌الجیشی ایران در منطقه خاور میانه، هر کدام از دو بلوک شرق یا غرب، به‌دنبال جذب آن بودند. با وجودی که قبل از انقلاب و ایجاد نظام جمهوری اسلامی در ایران، کشورهای دیگری هم دارای نظام جمهوری بوده‌اند که عمدتاً دیدی لائیک به حکومت داشتند و بعضی از آن‌ها تنها پسوند اسلام را به خود چسبانده بودند، اما در عمل، سیستم اداره آن‌ها حکومت پادشاهی (دیکتاتوری) بود که مردم در آن‌ها به‌طور کامل در تصمیم‌گیری‌ها هیچ جایگاه و نقشی نداشتند، مانند سنگاپور، سریلانکا، سوریه، ترکیه و... که سیستم جمهوری داشتند. لذا در هر دو صورت فوق، یا اسلام هیچ نقش مفید و موثری نداشت و یا مردم.

به‌واسطه همین امر، هر روز یا شرقی‌تر می‌شدند یا غربی‌تر. «جمال عبدالناصر»، قهرمان ملی اعراب یا به قول خودشان، رئیس عربی که در مصر حکومت می‌کرد، عده بسیاری از روحانیان مسلمان را به جرم دین‌گرای، محکوم به اعدام کرد و قتل‌عام وحشیانه‌ای در حوزة دین به‌راه انداخت. اما جمهوری اسلامی ایران شاخصه نوظهوری بود که رویکرد جدیدی به مسأله حکومت داشت، فرآیندی که دو ابرقدرت شرق و غرب، به‌رغم تخاصم و دشمنی دیرینه با خودشان، در ناپدید کردن آن با هم به تفاهم رسیده بودند؛ چنان‌که صدام ملعون را، که یک کمونیسم دواآتشی بی‌هویت محسوب می‌شد و به «رفیق صدام» معروف بود، برای براندازی جمهوری اسلامی ایران به مدرن‌ترین سلاح‌های روز مجهز کردند و با حمایت همه‌جانبه خود به جان ایران انداختند. «طه یاسین رمضان»، در سال ۱۳۶۰، طی مصاحبه‌ای که با مجله الثوره داشت گفت: «هدف از جنگ، مسأله چند صد کیلومتر زمین نیست؛ بلکه هدف، سرنگونی و انهدام جمهوری اسلامی است» (روزنامه اطلاعات - ۱۳۶۳/۳/۷). در

حقیقت، طی چهل و چند سال تسلط دو قطب شرقی و غربی، یعنی آمریکا و شوروی، پدیده‌ای غیر قابل پیش‌بینی اتفاق افتاد که در قانون‌مندی دو قطب نمی‌گنجد، یعنی پیروزی انقلاب اسلامی و مهم‌تر از آن، تشکیل نظام جمهوری اسلامی. نظامی که بر مبنای حاکمیت خدا شکل گرفت، زیرا اوست که مالک جسم و جان انسان‌هاست و جز او کسی حق حاکمیت بر خلق را ندارد. در طول حاکمیت الهی نیز حاکمیت «خلیفه‌الله در زمین» قرار می‌گیرد. انبیای الهی از جانب خداوند، مأمور به ابلاغ دستورات الهی هستند و بعضاً مکلف می‌شوند که زمینه اجرای احکام خداوند را نیز فراهم کنند و تشکیل حکومت بدهند. این حق حاکمیت پس از انبیاء و رسولان خدا، به اوصیای آن‌ها می‌رسد که در زمین، اقامه عدل و داد کنند. بعد از خاتم‌الانبیاء حضرت محمد^(ص)، ائمه اطهار (علیهم‌السلام) از طرف خداوند، مأمور به ادامه راه آن حضرت هستند. آخرین وصی پیامبر اعظم^(ص) هم امام زمان (عج) است، که در عصر غیبت به‌سر می‌برند و بنا به توفیق شریف آن حضرت به اسحاق بن یعقوب، در دوران غیبت، فقهای جامع‌الشرایط به‌عنوان نایب عام، مأموریت ایشان را به‌عهده دارند. پس با این اوصاف، پیچیدن نسخه‌ای با نام سروری و برادر بزرگی در جهان، هیچ معنا و مفهومی ندارد. امام خمینی^(ع) با اشراف به این موضوع و تسری آن به جامعه، رسماً اعلام کردند که درصددند حکومتی را که در چارچوب جمهوری اسلامی است، برپا کنند یعنی مبتنی بر دو اصل جمهوریت و اسلامیت. حکومتی که بر اساس اجرای احکام الهی و با رای مردم، مقبولیت و مشروعیت پیدا می‌کند. در این نظام، ولایت فقیه، حق حاکمیت به فقهای جامع‌الشرایط را دارد، زعامت و رهبری جامعه هم به ولی فقیه می‌رسد. در واقع، امام راحل به بهترین شیوه بین مبنای حکومت اسلامی از یک طرف و جدیدترین شیوه‌های حکومتی پذیرفته‌شده توسط عقل جمعی یعنی «جمهوریت» تجمیع کرد و نظریه جمهوری اسلامی مبتنی بر اصل ولایت فقیه را ارائه داد، که البته ماجرای جمهوریت را در دین مبین اسلام می‌توان منطبق بر توصیه قرآنی مشورت یا همان شورا دانست. در نظام تعریف‌شده امام، «مشروعیت» و «آراء مردمی» هر کدام جایگاه خاص خود را دارند. از این‌رو، بنیان‌گذار انقلاب اسلامی، در اوج قدرت دو بلوک شرق و غرب دنیا، از همان آغاز، صراحتاً اعلام کردند: «نه شرقی، نه غربی؛ تنها جمهوری اسلامی». بسیاری این حرکت امام خمینی^(ع) را دال بر تدروی و تصمیمی شتاب‌زده می‌دانستند، زیرا بر اثر القانات و تاثیرپذیری‌ها، گمان نمی‌کردند بتوان برای دولتی که به‌تازگی شکل گرفته است، استقلال همه‌جانبه را متصور شد. در نتیجه، آن‌ها به‌دنبال دموکراتیزه کردن اسلام برآمدند تا کشور اسلامی ایران را از روی مدل کشوری مانند ژاپن یا هند طراحی کنند که، به قول خودشان، بتوانیم هم‌چون آنان توسعه پیدا کنیم. ولی امام اجازه ندادند و این از افتخارات ماست که پس از سی سال بتوانیم سرمان را در جهان بالا بگیریم و حکومتی مبتنی بر احکام اسلامی را که در نوع خود یگانه و در توانایی‌هایش هیچ شکی نیست، به جهان عرضه کنیم. حکومتی که از هیچ‌الگوی غربی یا شرقی پیروی نکرده، بلکه خود به الگوی جامع و پایدار برای ملت‌های دیگر تبدیل شده است. امام در مورد حفاظت از نظام جمهوری اسلامی فرموده‌اند: «...حفظ جمهوری اسلامی از حفظ یک نفر، ولو امام عصر باشد، اهمیتش بیش‌تر است، برای این‌که امام عصر هم خودش را فدا می‌کند برای اسلام. همه انبیاء از صدر عالم تا حالا که آمدند برای کلمه حق و برای دین خدا مجاهده کردند و خون‌شان را فدا کردند. پیامبر اسلام^(ص)، آن همه مشقات کشید و اهل بیت معظم^(ع) او آن همه زحمات را متحمل، متکفل شدند و جان‌بازی‌ها را کردند، همه برای حفظ اسلام است. اسلام یک ودیعه الهی است



پیش ملت‌ها که این ودیعه الهی برای تربیت خود افراد و برای خدمت به خود افراد هست و حفظ این بر همه کس واجب عینی است...» (صحیفه نور، جلد ۱۵، ص ۲۲۱)

مع الوصف، جمهوری اسلامی در یکی از بهترین دوران خود در طول حیات سی و چندساله‌اش به سر می‌برد. نظام الهام‌بخش و چالش‌گری که مانع جدی در سر راه سلطه‌طلبی آمریکاست.

ایران اسلامی با موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک ویژه خود در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی، از توان و قدرت تعیین‌کننده‌ای برخوردار بوده است، که قطعاً فرصت‌سازی‌های دولت، ایستادگی بر آرمان‌ها، اصول انقلاب و احیای گفتمان انقلاب اسلامی با دیپلماسی تهاجمی علیه استکبار و صهیونیسم جهانی، دفاع از حقوق مسلم مردم ایران در عرصه‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای با بهره‌گیری از قوت‌های درونی نظام، کارآمدی و الگوسازی جمهوری اسلامی را دوچندان کرده است، به‌صورتی که ایران ایدئولوژیک را به یک ابرقدرت فرهنگی، علمی، فناوری و اقتصادی منطقه‌ای تبدیل خواهد کرد.

پایه‌های اساسی نظام جمهوری اسلامی

با توجه به این که نظام جمهوری اسلامی، مسیری جداگانه و برخلاف سایر نظام‌های سیاسی حاکم برداشت، طبیعتاً از شاکله و چارچوب متفاوتی نیز برخوردار است که در اصل دوم قانون اساسی نیز بدان تصریح شده است:

۱- ایمان به خدای یکتا: بر این اساس، نظام جمهوری اسلامی، برخلاف نظام‌های لائیک و سکولار که برای دین، نقشی در حوزه امور سیاست و اداره جامعه قایل نشده‌اند، مبتنی بر ایمان به خدا و نفی هر گونه شریک برای اوست (اعم از اراده عمومی یا فردی). حاکمیت مطلق از آن خداوند متعال است و جامعه نیز در مسیر مشیت و اراده او حرکت می‌کند.

۲- وحی الهی و نقش بنیادین آن در قوانین: به‌واسطه این که نظام جمهوری اسلامی مبتنی بر ایمان به خدای یکتا و اختصاص حاکمیت و تشریح به اوست، وحی نیز به‌عنوان تنها مجاری حقیقی و بنیادین دریافت اوامر خداوند، مطرح می‌شود. در نتیجه، قوانین نظام حاکم باید ریشه در وحی‌انیت داشته باشد.

۳- معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان: اصلی که بیان‌گر ضمانت اجرای قوانین و فرامین الهی در جامعه است، به‌صورتی که در نظام جمهوری اسلامی، افراد، به‌خصوص مسؤولان ارشد نظام، به دلیل اعتقاد به معاد، مراقب اعمال خود هستند و این امر به‌عنوان بهترین عامل برقراری نظم اجتماعی و اجرای قوانین الهی، نقش به‌سزایی در جامعه دارد.

۴- عدل خدا در خلقت و تشریح: ایمان به خدا در حقیقت، ایمان به عادلانه‌بودن مقررات تشریحی و تکوینی خداوند است که موجب تسری عدالت در همه ارکان نظام و رفع تبعیض و نابرابری در همه شؤون اجتماعی از طریق اجرای مقررات تشریحی خداوند می‌شود. در نظام اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ایران، برخلاف نظام‌های کاپیتالیستی، تبعیض نه تنها امری طبیعی تلقی نمی‌شود، بلکه مطرود است و باید از سطح جامعه زدوده شود.

۵- امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلامی: بدیهی است تسلیم در پیش‌گاه خداوند، اجرای فرامین او و برقراری عدالت، زمانی میسر است که فردی مؤید به تائیدات الهی، مقدرات جامعه را برعهده گیرد و اجرای قوانین و مقررات الهی را آن‌گونه که هستند، تضمین کند؛ فرآیندی که در سایه امامت و رهبری پیامبر اسلام (ص) شروع شده است و کماکان ادامه خواهد داشت و در زمان غیبت امام عصر (عج) نیز به سبب اعمال ولایت فقیه عادل، امکان‌پذیر است.

۶- کرامت و ارزش‌های انسان و آزادی توأم با مسؤولیت:

در نظام اسلامی باید انسان به‌عنوان خلیفه‌الله، مورد توجه قرار گیرد و نباید جایگاهش در حد بردگان و ابزار صنعتی - اقتصادی نظام سرمایه‌داری یا سوسیالیستی پایین آورده شود. جامعه او نیز نباید به عرصه‌ای برای قدرت‌نمایی و ارضای روح سلطه‌گری مبدل شود. انسان در نظام جمهوری اسلامی در عین آزادی و اختیار، مسؤول و پاسخ‌گوی اعمال خود نیز هست. یکی از تفاوت‌های اصولی و پایه‌ای نظام اسلامی با سایر نظام‌های لیبرالیستی مبتنی بر فردگرایی، در همین قضیه است که نظام جمهوری اسلامی، مصداق بارز مردم‌سالاری دینی محسوب می‌شود، به‌شکلی که نه مانند نظام سوسیالیستی به انسان نگاه ابزارگونه دارد و نه مانند نظام لیبرالیستی، انسان را فارغ از هرگونه مسؤولیت و پاسخ‌گویی قلمداد می‌کند. در حقیقت، جمهوری به معنای قرار داشتن حق حاکمیت در دست خود مردم است. کلمه «جمهوری»، شکل حکومت را مشخص و کلمه «اسلامی»، محتوای آن را تعیین می‌کند. حکومت جمهوری یعنی حکومتی که حق انتخاب با همه مردم است، قطع نظر از این که مرد یا زن، سفید یا سیاه، دارای این عقیده یا آن عقیده باشند؛ فقط شرط بلوغ سنی و رشد عقلی معتبر است، نه چیز دیگر. پسوند اسلامی هم محتوای حکومت را بیان می‌کند؛ به‌عبارتی حکومت با اصول و مقررات اسلامی و دینی اداره می‌شود. زیرا اسلام به‌عنوان یک دین در عین حال یک مکتب و یک ایدئولوژی کامل و طرحی برای زندگی بشر در همه ابعاد آن است. پس نظام جمهوری اسلامی یعنی حکومتی که شکل آن، انتخاب رئیس حکومت از سوی عامه مردم و محتوای آن اسلامی است. برخی اسلامی‌بودن جمهوری را منافی با روح دموکراسی می‌دانند. علت این است که دموکراسی مورد قبول آن‌ها همان دموکراسی قرن هجدهمی است که در آن، حقوق انسان در مسایلی چون معیشت، خوراک، مسکن، پوشاک و آزادی در کسب حداکثر لذایذ مادی خلاصه می‌شود؛ اما این که مکتب و عقیده و وابستگی به یک ایمان هم جزو حقوق انسانی است و

«جمال عبدالناصر»، قهرمان ملی اعراب یا به قول خودشان، رئیس عربی که در مصر حکومت می‌کرد، عده بسیاری از روحانیان مسلمان را به جرم دین‌گرایی، محکوم به اعدام کرد و قتل‌عام وحشیانه‌ای در حوزه دین به‌راه انداخت

این که اوج انسانیت در وارستگی از غریزه و تبعیت از محیط‌های طبیعی و اجتماعی و در وابستگی به عقیده و ایمان و آرمان است را به کلی فراموشی کرده‌اند. در صورتی که جمهوری اسلامی یعنی جامعه اسلامی، جامعه‌ای براساس جهان‌بینی توحیدی که در دیدگاه آن، جهان بر مبنای ماهیت «از اوئی و به سوی اوئی»، پی‌ریزی شده است. این جهان‌بینی دارای یک ایدئولوژی توحیدی است که از آن به توحید عملی تعبیر می‌شود، یعنی رسیدن انسان به یگانگی اخلاقی و یگانگی اجتماعی که هر دوی این‌ها در آیه معروفی که رسول اعظم (ص) در صدر نامه‌های‌شان به شخصیت‌های جهان ثبت می‌کردند، مندرج است.

«قل یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمه سواء بیننا و بینکم الا نعبد الا الله و لا نشکر به شیئا و لا یتخذ بعضنا بعضا اربابا من دون الله فان تولوا فقلوا اشهدوا بانا مسلمون» (آیه ۶۳-آل عمران)

جمله «تعالوا الی کلمه سواء بیننا و بینکم» توحید نظری و جمله «لا یتخذ بعضنا بعضا اربابا...» توحید عملی اجتماعی را، که مساوی است با آزادی و دموکراسی، در اصلی‌ترین شکل نشان می‌دهد. و همه این موارد باید در نظام جمهوری اسلامی ظهور و بروز داشته باشد.

نظام جمهوری اسلامی، خاری در چشم دشمنان

از هنگامی که با زعامت امام خمینی (ره) و مشارکت مردم ایران، نظام جمهوری اسلامی بنا شد، دشمنان انقلاب اسلامی ایران به صور مختلف به فکر براندازی آن افتادند. در دوره‌ای به شکل براندازی نظامی و تهدید سخت؛ تهدید متکی به روش‌های فیزیکی، عینی (سخت‌افزار) و همراه با اعمال و رفتارهای خشونت‌آمیز، یک نوع براندازی آشکار و با استفاده از شیوه زور، اجبار، حذف دفاعی و اشغال سرزمین‌مان و بعد از ناکارایی این روش، به این فکر افتادند که از تهدید نرم و ابزار فرهنگی با هدف تاثیرگذاری بر ذهن‌ها و باورها استفاده کنند تا با این جنگ روانی، نظام جمهوری اسلامی را از میان بردارند. آن‌ها از انواع تبلیغات منفی و سیاه‌نمایی رسانه‌ها علیه نظام جمهوری اسلامی بهره بردند تا انقلاب و نهضت اسلامی را نزد افکار عمومی، حرکتی متحجرانه و عقب‌مانده نشان دهند، به خصوص در زمینه پیشرفت‌ها و فعالیت‌های علمی ایرانیان در حوزه فناوری هسته‌ای، که در این عصر دانش، آن را رقیبی قدرتمند در مقابل آن‌ها می‌کند. روزنامه معروف انگلیسی گاردین به نقل از برخی مقامات آمریکایی که از توقف ایران در تولید فناوری هسته‌ای و کاستن حمایت‌های مردمی از این فناوری ناامید شده‌اند، می‌نویسد: «آمریکایی‌ها تلاش‌های جدیدی را در دست اقدام دارند.» برخی از اعضای هیات حاکمه آمریکا معتقدند بهره‌برداری از تنش‌های قومی و مذهبی در ایران، راه درستی برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران است. روزنامه فاینشنال تایمز هم نوشت: «آمریکا برای به‌راه انداختن جنبش نافرمانی مدنی در ایران تلاش می‌کند.» جنبش نافرمانی مدنی اولین بار در ایران در نشریات و بیانیه‌های حزب مشارکت و سپس گروه‌های ضد انقلاب خارج از کشور مطرح شد و به صورت عملی نیز در مواردی به اجرا در آمد که با شکست مواجه شد. نظام جمهوری اسلامی که بزرگ‌ترین دستاورد قیام امام خمینی (ره) و

انقلاب اسلامی است، از ابتدای شکل‌گیری تا به امروز، کانون توجه دشمنان و دوستان آن بوده است. دشمنان این نظام برنامه‌ها، نقشه‌ها و توطئه‌های بی‌شماری را سر راه آن قرار داده‌اند، لذا حفظ این نظام، که با سرمایه‌های عظیم و با فداکاری‌ها و مجاهدت‌های میلیون‌ها انسان پاک‌باخته، مخلص و شهادت‌هزاران مومن عاشق و خداجو به ثمر رسیده است، از ضرورت‌های انکارناپذیر است و لزوم حفظ دستاوردهای فرهنگی، اقتصادی و سیاسی آن بر کسی پوشیده نیست. به همین خاطر، باید همه تهدیداتی که متوجه نظام اسلامی‌مان می‌شود را برای مصون‌ماندن این شجره طیبه، مورد شناسایی قرار دهیم. زیرا به‌طور حتم، با هر گونه غفلت و سهل‌انگاری از این تهدیدات، آسیب‌های جبران‌ناپذیری دامن‌گیر آن می‌شود و بسیاری از دستاوردهای نظام اسلامی از بین خواهد رفت. اگر نگاهی به رفتارها و استراتژی‌های آمریکا در طی سه دهه پیروزی انقلاب و حاکمیت جمهوری اسلامی داشته باشیم، درمی‌یابیم که با پیروزی انقلاب اسلامی، غربی‌ها با پدیده نوظهوری در منطقه خاور میانه روبه‌رو شده‌اند. پدیده‌ای که سبب شد قدرت‌های زورگو، تمام تلاش‌های جهانی‌سازی خود را در منطقه خاور میانه به یک‌باره از دست بدهند. چنان‌چه ویلیام گوانت، عضو شورای امنیت ملی ایالات متحده آمریکا در زمان ریاست جمهوری کارتر، اشاره داشت: «انقلاب ایران، واشنگتن را به وحشت انداخت و این موج انقلاب، سراسر خلیج فارس را در برمی‌گیرد. لذا تصمیم گرفتیم یک ساختار امنیتی در داخل و اطراف شبه جزیره عربستان به‌وجود بیاوریم تا مطمئن شویم که انقلاب ایران به خارج و اطراف سرایت نخواهد کرد.» (جان فوران، مقاومت شکننده، تاریخ تحولات اجتماعی ایران، ترجمه احمد تدین، ص ۵۰۸). به دلیل این که منطق ملت و جمهوری اسلامی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی و ایجاد حکومتی بر مبنای مردم‌سالاری دینی، منطق برتر جهان شده است، طی این سال‌ها چنان خاری در چشم دشمنان نشسته است. در این خصوص، دکتر احمدی‌نژاد، ضمن مثبت ارزیابی کردن موفقیت ملت و سرزمین ایران در دنیا، می‌گوید: «امروز عزت و شرافت ملت ایران، زبان‌زد عام و خاص است و در بین ملت‌های جهان کم‌تر کسی یافت می‌شود که وقتی نام ایران برده می‌شود، احترام و تکریم نکند. امروز این یک حقیقت است که ملت ایران پرچم‌دار عدالت، صلح و پیام‌آور سعادت و رفاه ملت‌هاست. به همین خاطر هم، امروز دشمنان ما از این که بتوانند ضربه‌ای به ایران بزنند، مایوس هستند و برخی تهدیدات آن‌ها هم از روی ترس است.» (۲۳ مهر ۱۳۸۶، همایش روحانیان ارتش). با این اوصاف، اتکا به جبل‌المتین خداوند سبب شده است تا در شرایطی که نسل‌کشی مسلمانان، به‌خصوص شیعیان در جهان، امری عادی و معمولی تلقی می‌شود و هیچ نهاد به‌اصطلاح حقوق بشری (که مناسبانه بعضی‌ها در ایران مانند مادر کودک‌مردهای سنگ آن را به سینه می‌زنند) حتی اعتراضی به نسل‌کشی و هولوکاست اخیر مردم مظلوم غزه و یمن هم نمی‌کنند، نظام جمهوری اسلامی ایران مانند جزیره ثبات و حتی کشتی نجاتی برای مسلمانان و به‌خصوص شیعیان در جای‌جای جهان به حساب آید. افراد روشن‌فکرمانی که سنگ



حقوق بشر را به سینه می‌زنند و به آدمک‌های مسخ‌شده امپریالیسم میدل شده‌اند، آیا حقیقتاً به خون غلطیدن مسلمانان را نمی‌بینند؟! انفجارهای پی‌درپی در مناطق شیعه‌نشین عراق را که سالانه قریب به ۶۰۰ هزار شیعه توسط تک‌برادر بزرگ دنیا، آمریکا، به خاک و خون کشیده می‌شوند. آیا قتل عام مسلمانان پاکستان، افغانستان و یمن و قبل‌تر از آن بوسنی را نمی‌بینند؟! و...

اگر جمهوری اسلامی ایران، که به لطف خدا با اندیشه‌های امام خمینی^(ع) و با آرای آزادانه و دموکراتیک مردم به‌دست آمده است، نبود، به‌واقع ایران هم سرنوشتی چون عربستان داشت که فرقه ساختگی وهابیت بر آن حکم‌فرمایی می‌کند. چه آن‌که در اواخر عمر پهلوی نیز دیدیم که چطور امور مملکت اسلامی و مردم شیعه آن به‌دست عناصر فرقه ضاله بهائیت افتاده بود و یا دست کم، آینده ایران را باید در آینه کشورهای چون عراق، افغانستان، پاکستان، یمن و... می‌دیدیم یا همانند بحرین که با وجود جمعیت هشتاد درصدی شیعه‌اش، در دست اقلیتی ظالم قرار دارد، یا آذربایجانی که پخش اذان هم در آن ممنوع است. امام خمینی^(ع) در بخشی از وصیت‌نامه الهی-سیاسی خود خطاب

به روشن‌فکران و نویسندگان معاند با نظام جمهوری اسلامی فرموده‌اند: «وصیت من به نویسندگان و گویندگان و روشن‌فکران و اشکال‌تراشان و صاحب‌عقدگان آن است که به‌جای آن‌که وقت خود را در خلاف مسیر جمهوری اسلامی صرف کنید و هرچه توان دارید در بدبینی و بدخواهی و بدگویی از مجلس، دولت و سایر خدمت‌گزاران به‌کار برید و با این عمل کشور خود را به‌سوی ابرقدرت‌ها سوق دهید، با خدای خود خلوت کنید و اگر به خداوند اعتقادی ندارید، با وجدان خود خلوت کنید و انگیزه باطنی خود را که بسیار می‌شود خود انسان‌ها از آن بی‌خبرند، بررسی کنید. ببینید آیا با کدام معیار و با چه انصاف، خون این جوانان قلم‌قلم‌شده را در جبهه‌ها و در شهرها نادیده می‌گیرید و با ملتی که می‌خواهد از زیر ستم‌گران و غارت‌گران خارجی و داخلی، خارج شود و استقلال و آزادی را با جان خود و فرزندان عزیز خود به‌دست آورده و با فداکاری می‌خواهد آن را حفظ کند، به جنگ اعصاب برخاسته‌اید؟! و به اختلاف‌انگیزی و توطئه‌های خائنانه دامن می‌زنید و راه را برای ستم‌گران و مستکبران باز

می‌کنید؟!...» (صحیفه نور، جلد ۲۱- ص ۱۹۹)

بدون تردید، یکی از ویژگی‌های اصلی انقلاب، رنگ و بوی عاشورایی آن بود که در به‌هم‌زدن معادلات به نفع نیروهای انقلابی، تاثیر به‌سزایی داشت. لذا باید در حفاظت و صیانت از آن کوشید و برای آشنایی جوانان با اندیشه‌های سیاسی-دینی حضرت امام^(ع) و دستاوردهای نظام جمهوری اسلامی، تلاش کرد. البته در این مسیر برای مایوس کردن دشمنان و بالا بردن امید و نشاط، ضرورت دارد مطابق با توصیه‌های مقام معظم رهبری در سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه، عمل‌کردهای نظام جمهوری اسلامی و خدمات دولت به اطلاع مردم، که پشتوانه اصلی این نظام ارزشی و دینی هستند، برسد. زیرا امروز هرآن‌چه داریم از برکت نظام مقدس جمهوری اسلامی است که بر مبنای شعارهای انقلاب، آرمان‌های امام راحل، مقام معظم رهبری و مشارکت عمومی ملت بوده است و ما به‌عنوان میراث‌دار این ارثیه گران‌بها، باید تمام‌وقت در جهت تحقق اهداف بلند نظام و پاسداری از خون هزاران شهید و جان‌باز حرکت کنیم. ■

نظام جمهوری اسلامی، مصداق بارز مردم‌سالاری دینی محسوب می‌شود، به‌شکلی که نه مانند نظام سوسیالیستی به انسان نگاه ابزارگونه دارد و نه مانند نظام لیبرالیستی، انسان را فارغ از هرگونه مسؤولیت و پاسخ‌گویی قلمداد می‌کند